کدام نویسندگان بزرگ ادبیات برای بچه‌ها کتاب نوشته‌اند؟

نجفی

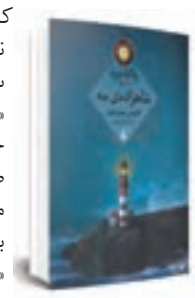
هرچقدرهم نویسنده بزرگی باشید بازهم می‌دانید نوشتن برای بچه‌ها چقدر سخت است، خیلی سخت. برای همین تعداد غول‌های ادبیات و بزرگانی که عمری کتاب‌های مهمی برای بزرگ‌ترها نوشته‌اند و درعین حال وارد حوزه‌کودک و نوجوان شده‌اند خیلی زیاد نیست. فهرست چهارنفره ما هم البته کامل نیست، اما در بازار فعلی کتاب همچنان منتشر می‌شوند و خواننده دارند، البته به داستان‌های چخوف برای بچه‌ها که نشر «پیدایش» آن را به‌عنوان «۲۱داستان برای بچه‌ها» و داستان‌های تالستوی برای بچه‌ها که سال‌ها پیش نشر «نی» منتشر کرده است در همین حد اشاره می‌کنیم.

نقطه‌های مطر



«هشام مطر» نویسنده لیبیایی برنده جایزه پولیتزر، کتابی دارد به‌اسم «نقطه می‌خواست فرار کند». کتابی که ظاهراً برای بچه‌هاست، اما مایه‌های فلسفی بی‌شماری دارد و می‌تواند برای هر خواننده‌ای تأمل‌برانگیز باشد. این اثر تنها کتاب کودک هشام مطر است، قصه‌ای که سردرگمی و ابهام نقطه در جهانی وسیع و حیرت‌انگیز را روایت می‌کند. این کتاب سفری به جهان نشانه‌هاست و با تصویرسازی‌های رازآلود جانلوکا بوتلو جذابیت ویژه‌ای را برای مخاطب ایجاد کرده است. سال گذشته نشر «ادامه»، واحد کودک و نوجوان نشر «اطراف»، با ترجمه زنده‌یاد بتول فیروزان این اثر را منتشر کرده است.

باد و مه ثافون



کارلوس لوئیس ثافون مشهورترین نویسنده اسپانیایی زبان بعد از سروانتس است. سه‌گانه مشهورش «سایه‌باد» را اهل فن لابد دیده‌اند و خوانده‌اند؛ سه‌گانه‌ای که علی صنعوی آن را ترجمه کرده است. مجموعه کتاب‌های ثافون برای بچه‌ها «سه‌گانه مه» نام دارد که نشر «افق» هر سه جلد بسیار خواندنی‌اش را با ترجمه خانم آرزو احمی منتشر کرده است.

خرگوش‌های دروفمن



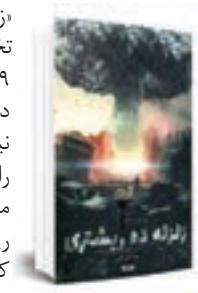
آریل دروفمن را با «شکستن طلسم وحشت» می‌شناسیم. اثری درباره روزهای سخت و تیره‌شیلی در دوره دیکتاتوری ژنرال فرانکو. او محبوبِ مترجمان ایرانی است و بیشتر از همه امیلی امرایی. از طرفی، در این سال‌ها تمام کتاب‌های بزرگ‌سالش در ایران منتشر شده است. «شورش خرگوش‌ها» را هم نشر «افق» با ترجمه خانم امیلی امرایی منتشر کرده است.

یوسا ماه را پایین می‌آورد



«فونچیتو و ماه» اولین تجربه یکی از چهار غول بزرگ ادبیات آمریکای لاتین است. ماریو بارگاس یوسا در این کتاب درباره دوستی نوشته است و اینکه چطور باید آن را حفظ کنیم. داستان فونچیتو که می‌خواهد با دختری با اسم نرئیدا دوست شود. اما دختر شرطی دارد. اینکه ماه را از آسمان برایش بیاورد پایین... کتاب را انتشارات «زعفران» منتشر کرده و مترجمش هم پرنیان رجب‌زاده است.

زلزله تهران به چاپ دوم رسید



«زلزله ده ریشتری» یک رمان علمی و تخیلی است که به وقایع سال‌های ۱۴۰۹ می‌پردازد و حالا هم به چاپ دوم رسیده است.

نیما اکبرخانی، نویسنده کتاب، ماجرا را از زمانی برای مخاطب خود بازگو می‌کند که در تهران زلزله‌ای ده ریشتری رخ می‌دهد و زیر و رو می‌شود. کشور در آشوبی بزرگ فرو رفته است و همه کشور درگیر بحران‌های بعد از این زلزله هستند که به خاک ایران از همه سو تجاوز می‌شود. ترکیه از غرب، پاکستان از شرق، نیروهای ائتلاف غرب و کشورهای خلیج فارس از جنوب. اما این تمام ماجرا نیست. حمله اتمی اسرائیل با ده موشک هسته‌ای، تمام آنچه را که از تهران باقی مانده هم به هوا فرستاد. رمان «زلزله ده ریشتری» رمانی آینده‌نگرانه است که به شکل روایت نوشته شده است. نویسنده به سراغ راویان مختلفی رفته است و از آن‌ها درباره ماجرای جنگ جهانی کبیر می‌پرسد و آن‌ها به او پاسخ می‌دهند. صحنه‌هایی که روح و ذهن مخاطب را تکان می‌دهد و با نگه‌داشتن مخاطب در جایی بین آینده و گذشته، او را وادار به تأمل می‌کند. «زلزله ده ریشتری» را نشر «کتابستان» منتشر کرده است.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستاری

در ادامهٔ نکتهٔ روز گذشته باید گفت که در زبان فارسی برخی کلمه‌ها با «ات» جمع بسته شده‌اند که نمی‌توان با نشانهٔ جمع فارسی جمع بست. این کلمه‌ها با همان شکل عربی خود جا افتاده‌اند. مانند: سازمان، تبلیغات، واردات، صادرات، انتخابات، مقررات، مطبوعات، اطلاعات، احساسات و...

#زین_قند_پارسی

شهرآرا

۲شنبه

۲۱ فروردین ۱۴۰۲
۱۹ رمضان ۱۴۴۴
شماره ۳۹۱۵

SHAHRARANEWS.IR

سوژه روز

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی:

بزرگداشت حکیم فردوسی در سطح ملی و بین المللی

محمود شالویی، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از برگزاری همایش بزرگداشت حکیم فردوسی در سطح ملی و بین‌المللی در روز ۲۵ اردیبهشت مصادف با روز بزرگداشت این حکیم بزرگ پارسی خبر داد و به «ایکنا» گفت: در ادامه برگزاری دو دوره موفق هفته بزرگداشت حکیم نظامی، امسال بزرگداشت حکیم فردوسی نیز به صورت ویژه‌تر و در سطح گسترده‌تری برگزار خواهد شد.

وی افزود: برای دیگر حکیمان ادب فارسی مانند سنایی و شاعران و ادیبان بزرگ فارسی مانند حافظ و سعدی و بسیاری دیگر از بزرگانی که در زمره شاعران و ادیبان تاریخ ادبیات فارسی محسوب می‌شوند هم به فراخور موقعیت و تناسب جغرافیایی که برای آن‌ها دیده شده است، برنامه‌های گرامیداشت و بزرگداشت در سطح گسترده‌ای خواهیم داشت.

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ادامه با اشاره به اینکه همکاری جدی با وزارت آموزش و پرورش برای معرفی مفاخر آغاز کردیم، اضافه کرد: در دومین هفته بزرگداشت حکیم نظامی که اسفندماه سال ۱۴۰۱ برگزار شد، بیش از ۱۴۰ هزار دانش‌آموز در بیش از هزار مدرسه شبانه‌روزی و نمونه دولتی، میزبان برنامه‌های خاصی درباره حکیم نظامی و آشنایی با شعر و دانش و اندیشه این شاعر فارسی قرن ششم بودند. این روند برای دیگر شاعران هم با همکاری آموزش و پرورش در حال انجام است.

شالویی گفت: اکنون هم برنامه‌هایی برای شناخت شاعران و شعر ادب فارسی در سامانه شاد وارد شده و وزارت آموزش و پرورش هم برنامه‌های متعددی گذاشته است.



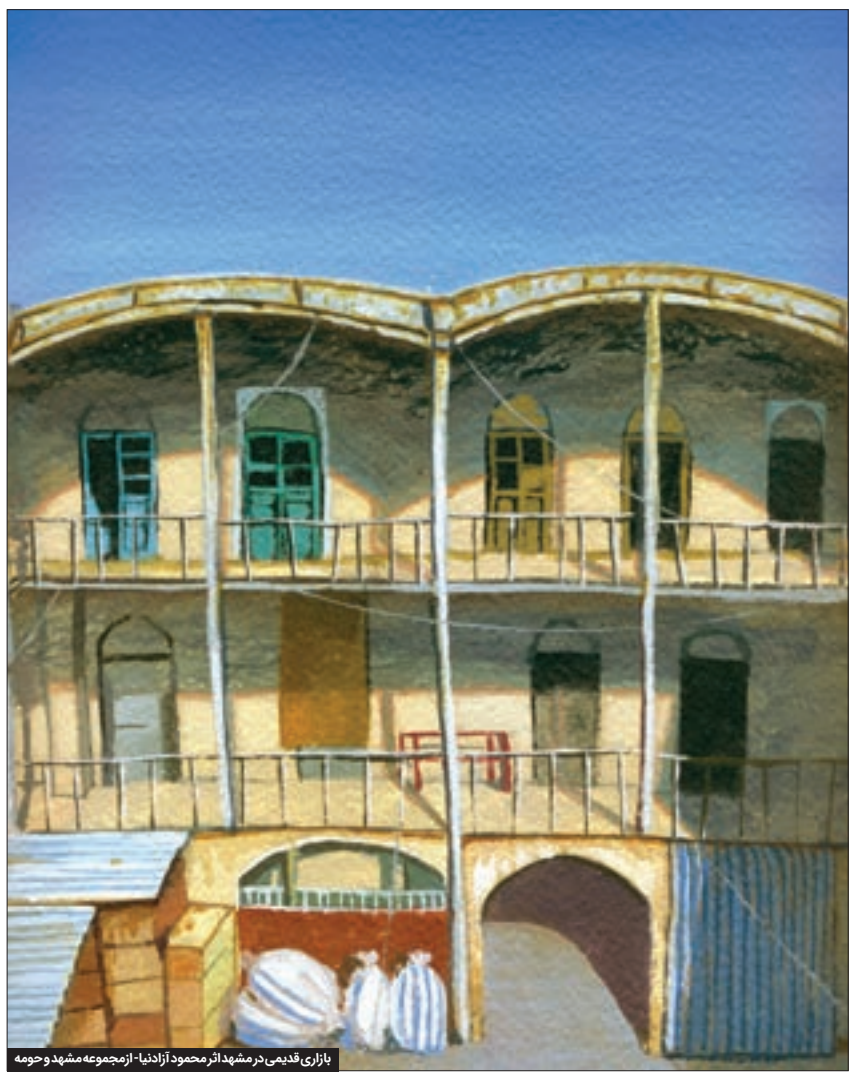
گفت‌وگو با ملیحه کروخی درباره وضعیت کتاب‌هایی که درباره مشهد نوشته شده است

شناخت شهر تعلق خاطر می‌آورد

خادم

گفت‌وگو

مستشرقان و تا امروز در کتاب‌های تاریخ شفاهی، شهر مشهد، وقایع و تاریخ و جغرافیا و اسطوره و افسانه و فرهنگش کم و بیش در آثاری مکتوب شده است. با راه افتادن نخستین روزنامه در مشهد این روند شکل و شدتی دیگر گرفت و امروز برای پژوهشگران و علاقه‌مندان منبعی است علاوه بر کتاب‌ها. اما آیا آثاری که در آن به مشهد اشاره شده یا آثاری که درباره مشهد نوشته شده، تناسبی با این شهر با توجه به تاریخ و وسعت و شرایطش دارد؟ آیا این آثار توانسته احساس تعلق را در شهروندان ایجاد کند؟ چه کتاب‌هایی برای آشنایی با مشهد مناسب است؟ درباره این موضوع‌ها و سؤالات با ملیحه کَروخی گفت‌وگو کرده‌ایم. او چند سالی است در حوزه مشهدشناسی کار می‌کند و پژوهش‌ها و آثاری درباره برخی محلات مشهد نوشته و منتشر کرده است. او به تجربه دریافته است که یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که در شهر داریم، نبود تعلق خاطر است و معرفی محلات و تاریخ و هویت شهر به وسیله کتاب و روزنامه و حتی بروشورهایی با طرح‌های گرافیکی می‌تواند در ایجاد شناخت و حس تعلق خاطر مؤثر باشد.



بازاری قدیمی در مشهد اثر محمود آزادنیا- ازمجموعه مشهد و حومه

خانم کروخی، چه شد که به مشهد به عنوان موضوعی برای تحقیق و پژوهش و سوژه‌ای که می‌توان و باید به آن پرداخت، علاقه‌مند شدید؟

من دانش‌آموخته برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی هستم. ماروی حوزه برنامه‌ریزی محلات کار می‌کردیم و آنجا بود که احساس کردم یکی از مهم‌ترین ریشه‌های مشکلاتی که در شهر داریم نبود تعلق خاطر و پررنگ نبودن هویت شهری است. آنجا بود که شروع کردیم به تقویت هویت محلات و با همکاری شورای اجتماعی محلات کار روی کتاب محلات را آغاز کردیم. آن زمان در ۱۴۵ محله شروع کردیم به انسجام‌بخشی بین جوانان محلات که بتوانند با افراد مسن محلات مصاحبه بگیرند. حاصل این کار جمع‌آوری ۴۶ کتاب بود که فقط ۱۲ کتاب منتشر شد. از این تعداد چهار کتاب را من کار کرده بودم که بیشتر هم مربوط به محلات پیرامونی شهر مشهد و هویتشان بود. برای من هویت نیمه شهر-نیمه روستایی این محلات، به ویژه بحث‌های فرهنگی‌شان، سنت‌ها، اعتقادات و داستان‌هایشان جالب بود. این‌طور شد که من با حجم عظیمی از اطلاعات که از کهن‌سالان محلات جمع‌آوری شده بود آشنا شدم. بعد از چاپ کتاب محلات به مرکز شهر مشهد علاقه‌مند شدم و همکاری‌ام را با فرهنگ‌سرای بهشت با تمرکز بر هویت تاریخی مشهد شروع کردم. آنجا به این نکته رسیدم که خیلی از مباحثی که مربوط به تاریخ شهر مشهد است در منابع خارجی وجود دارد. کسانی مانند هرتسفلد و جهانگردان دیگری که وارد مشهد شده بودند آثاری نوشته بودند که اصلا ما به آن‌ها توجه نکرده‌ایم. در صورتی که شاید خارج از کشور خیلی شناخته‌شده‌تر بود. خوشبختانه وقتی در فضای غیرفارسی‌زبان شروع به جست‌وجو کردم مطالب جالب و بکری به دستم رسید. از هنر بگیرید تا شهرسازی. بعد از فرهنگ‌سرای بهشت وارد دفتر تسهیلگری محله سرشور شدم و به طور کاملا اختصاصی شروع به مطالعه محله سرشور کردم. این حجم از مطالعه روی یک محله مشهد تاحالا انجام نشده است. اطلاعات درستی به مردم داده نمی‌شود. هیچ‌وقت منابع خوبی برایشان جمع‌آوری نشده که بگوییم این اطلاعات درست است. چیزی که به مردم می‌گویند در حد افسانه است. ما شاهد بودیم و دیدیم که دارند چه افسانه‌هایی را در قالب تاریخ مشهد به مردم می‌گویند. حتی بچه‌های گردشگری هم اطلاعات اختصاصی مشهد را دریافت نمی‌کنند. یعنی کسانی که در آزمون‌های راهنمای گردشگری شرکت می‌کنند بخش آموزش استاندارد کشوری را دریافت می‌کنند و آن چیزی که اختصاصا مربوط به مشهد باشد حتی میراث هم جمع‌آوری نکرده است که بخواهد به راهنمایان گردشگری‌اش آموزش بدهد. این یک کمبود خیلی مهم است که امیدوارم در آینده با توسعه این کلاس‌ها و تکثیر این افراد در شهر مشهد بتوانیم تاریخچه واقعی شهرمان را که بسیار به آن افتخار می‌کنیم نشان بدهیم.

کتاب‌هایی که منتشر کردید یا وقتی جوانان با محله شان آشنا می‌شدند در ایجاد حس تعلق خاطر مؤثر بود؟

بله. من خودم در یکی از کارهایی که در یکی از محلات انجام می‌دادیم مشاهده کردم که چطور اهالی یک محله پس از چند جلسه آشنایی با تاریخ و هویت محل زندگی‌شان، به آن دلبستگی و علاقه پیدا کردند.

بیایید با همان بحث نبود تعلق خاطر ادامه بدهیم که به نوعی برای شروع کار انگیزه بوده است. وقتی از نبود تعلق خاطر حرف می‌زنیم یعنی چه؟ شما به چه تعریفی رسیدید؟

من می‌توانم از منظر شهرسازی، نشانه‌ها و اثراتی که می‌گذارد به شما بگویم. ما مشکلات عدیده‌ای در شهر داریم، یکی از آن‌ها مهاجرت درون محله‌ای گسترده است. این مهاجرت که یکی از ریشه‌ها و علت‌هایش همین نبود تعلق خاطر است هم باعث تمرکز ثروت و پیشرفت در یک محله خاص می‌شود و هم از دیگر سو باعث می‌شود دیگر محله‌ها از رشد باز بمانند. یعنی آدم‌ها تا به سطحی از ثروت می‌رسند محله را ترک می‌کنند. در صورتی که باقی ماندن در همان محله و بهبود بخشیدن به وضعیت سکونتشان و مکانی که در آن هستند باعث گسترش ثروت در بقیه محلات می‌شود. مشکل دیگری که این جابه‌جایی‌ها دارد به وجود می‌آورد مسئله امنیت است. در گذشته زمانی که فرد به محله خودش تعلق خاطر داشت حواسش به محله‌اش بود. وقتی غریبه‌ای وارد محله می‌شد شناسایی می‌شد و امنیت خانه‌ها و اهالی و محله بهتر تأمین می‌شد. آدم‌ها به اتفاق‌هایی که در محله می‌افتاد بی‌تفاوت نبودند. به‌عنوان نمونه تعلق خاطر اهالی محلاتی مانند طلاب یا بهمن در دهه ۶۰ یا دهه ۷۰ باعث شده بود که بهبود عمرانی محله با مشارکت اجتماعی بالای اهالی اتفاق بیفتد مانند برق کشی یا آسفالت که با مشارکت مالی اهالی انجام می‌شد. ما چنین چیزی را الان در محلاتمان نمی‌بینیم. وقتی مشارکت اجتماعی پایین می‌آید رضایت اجتماعی هم کم می‌شود. تعلق خاطر پیوست اجتماعی عمیق ایجاد می‌کند و باعث می‌شود آدم‌ها به نحوی با هم بیشتر مدارا کنند و تنش‌های اجتماعی در محلات کاهش پیدا کند.

ما مشکلات عدیده‌ای در شهر داریم، یکی از آن‌ها مهاجرت درون محله‌ای گسترده است. این مهاجرت که یکی از ریشه‌ها و علت‌هایش همین نبود تعلق خاطر است هم باعث تمرکز ثروت و پیشرفت در یک محله خاص می‌شود و هم از دیگر سو باعث می‌شود دیگر محله‌ها از رشد باز بمانند

امروز نمونه‌ای در مشهد داریم که تعلق خاطر در محله‌ای اثرات مثبتی داشته است؟

بله. در محله گلشهر این تعلق خاطر را داریم که یک جور پیوند اجتماعی عمیق بین اهالی افغانستانی آنجا وجود دارد که باعث شده هر کسی با هر مقدار ثروتی در همان محله باقی بماند. این اتفاق برای محله یک جور افزایش ارزش اقتصادی به همراه داشته است. یعنی قیمت خانه‌ها در آن محل افزایش پیدا کرده است. نوع و کیفیت ساخت هم بالا رفته است. افغانستانی‌ها در مشهد تعلق خاصی به محله گلشهر دارند و ثروتشان را هم وارد همان محله می‌کنند. پیوند خوبی هم بین اهالی بومی و مهاجران اتفاق افتاده است. حتی لهجه افغانستانی گلشهری ایجاد شده است. خودشان می‌گویند وقتی می‌رویم افغانستان می‌گویند لهجه‌ات گلشهری است. یعنی این موضوع این‌قدر تأثیر گذاشته است. ریشه‌ها را وقتی تقویت کنیم تنه اجتماعی جامعه هم قدرت می‌گیرد و سایه بالاسری خیلی گسترده‌تر می‌شود.

گفتید کتاب‌هایی هم درباره مشهد توسط مستشرقان نوشته شده است ، کتاب‌های تاریخ شفاهی یا تاریخ مشهد یا آثاری درباره مشهد و فرهنگ و رسومش که نویسنده‌های خودمان نوشته باشند چه وضعیتی دارد؟ آیا با توجه به اهمیت و وسعت و تاریخ و جمعیت، تناسبی بین کتاب‌هایی که تولید شده و می‌شود و این شهر وجود دارد؟

خوشبختانه تاریخ شهرمان با تلاش نویسنده‌های مختلفی که از قدیم کار کرده‌اند خیلی خوب کار شده است. روزنامه‌ها هم خوب دارند کار می‌کنند. هم روزنامه خراسان و هم روزنامه شهرآرا. حتی قدس. پذیرفته‌اند که بخشی از مطالب می‌تواند مربوط به این موضوع باشد. آموزش و پرورش هم دارد دست‌کم در بخش خصوصی جذابیت‌هایی ایجاد می‌کند که آموزش داده شود. به نظرم مشکل اینجاست که در چاپ دوباره کتاب‌ها، به ویژه کتاب‌هایی که از سوی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس منتشر می‌شود، کوتاهی می‌کنند. ما کتاب‌های ارزشمندی داریم مانند «سالشمار وقایع مشهد» اثر زنده‌یاد ایرج افشار که چاپ مجدد نشده است. این دست کتاب‌ها تاریخ مصرف ندارند و جامعه به این کتاب‌ها احتیاج دارد. کتاب‌های آقای سید مهدی سیدی یا آقای احمد ماهوان خیلی کتاب‌های خوبی هستند، اما کتاب‌های آقای ماهوان خیلی کمتر پیدا می‌شوند. مشهد در حوزه خط و نقاشی خیلی قوی است، اما خوب معرفی نشده‌اند و کتاب‌هایی برای آن کار نشده است. یا در بحث تاریخ شهری مشهد، یک تاریخ نسبتا مبهم داریم از اواخر قاجار تا شروع تخریب‌های دوره پهلوی اول، درباره آن مطالعات انجام شده، اما کتابی در این حوزه چاپ نشده است. ما به صورت تخصصی و با جزئیات بیشتر هنوز به کتاب‌هایی نیاز داریم.



خوشبختانه تاریخ شهرمان با تلاش نویسنده‌های مختلفی که از قدیم کار کرده‌اند خیلی خوب کار شده است. روزنامه‌ها هم خوب دارند کار می‌کنند. هم روزنامه خراسان و هم روزنامه شهرآرا. حتی قدس. پذیرفته‌اند که بخشی از مطالب می‌تواند مربوط به این موضوع باشد

وضعیت کتاب‌های تاریخ مشهد یا تاریخ شفاهی مشهد را مناسب ارزیابی کردید، از طرفی یکی از موضوع‌هایی که می‌تواند به ایجاد احساس تعلق خاطر کمک کند، استفاده از شهر در داستان، رمان و البته سینماست، اما کم می‌بینیم که نویسنده‌ها در داستان‌هایشان اشاره‌ای به مشهد یا وقایع تاریخی آن بکنند یا داستان‌هایشان در مشهد بگذرد. فکر می‌کنید دلیلش چیست و چرا داستان‌نویسان از این منابع استفاده نکرده‌اند و چطور می‌شود این موضوع را گسترش داد؟

به نظرم یک سری نهادهای بالاسری، مانند اداره ارشاد، آموزش و پرورش، معاونت فرهنگی شهرداری و مانند این‌ها باید حساسیت‌هایی ایجاد کنند که موجی ایجاد شود که نویسنده‌ها خودشان اقدام کنند به نوشتن از هویت شهری و تاریخ مشهد. در بخش مستندسازی این اتفاق دارد می‌افتد. مستندسازان جوان دارند به سمت تولید آثار هویتی راهنمایی می‌شوند. درباره ادبیات و داستان هم راه‌اندازی جریان‌هایی مانند مسابقات داستان‌نویسی می‌تواند مشوق باشد. به شکل‌های مختلف باید برای افراد حساسیت ایجاد شود. اگر تعلق خاطر ایجاد شود خود به خود نویسنده‌ها به این سمت می‌روند که از این شهر و تاریخ و هویتش بنویسند.

اگر کسی بخواهد با مشهد، محلاتش، تاریخ و فرهنگش آشنا شود چه سیر مطالعاتی را پیشنهاد می‌کنید؟

کتاب‌های استاد احمد ماهوان مانند «تاریخ مشهد قدیم» عکس‌های خوبی دارد، چون ایشان عکاس بودند و خیلی از بناهای تاریخی که ما از دست دادیم عکس‌هایش در کتاب‌های ایشان هست. یکی دیگر از کتاب‌هایی که حتما توصیه می‌کنم، «مشهد در آغاز قرن چهاردهم، مشهور به گزارش مکتب شاپور» است. تصحیح و توضیح این کتاب کار آقای سید مهدی سیدی است. این کتاب برای هزاره فردوسی آماده شده بود، اما متأسفانه به چاپ نرسیده است.

این کتاب مربوط به سال ۱۳۱۳ است که تعداد زیادی از فرهیختگان جمع‌آوری کرده‌اند. چیزهای خیلی جالبی در این کتاب می‌بینید؛ مثلا انواع میوه‌هایی که در بازار مشهد خرید و فروش می‌شده است، فهرستش و توضیحاتش وجود دارد. همچنین خیابان‌ها، مؤسسات، محلات و.... جزئیات این کتاب واقعا بی‌نظیر است.

کتاب «نفوس ارض اقدس» را هم داریم که آمار جامعه مشهد است در اواخر دوره قاجار. این اثر هم برای آشنایی با مشاغل، شخصیت‌ها و خیلی از خیابان‌هایی که از بین رفته‌اند خیلی خوب است. «تاریخ معاصر مشهد» دکتر یوسف متولی حقیقی و کتاب‌های آقای آذری خاکستر هم به نظرم خوب است.

